

یادداشت

جادوی موزه‌ها

چگونه موزه‌های هنری سیاست‌های فرهنگی را رهبری می‌کنند؟



مریم اسفندیاری

کیوریٲور و مدرس دانشگاه

در طول نیم‌قرن گذشته و حتی بیشتر، سیاست‌های فرهنگی توسط طیف وسیعی از مقامات و سازمان‌های دولتی، از شورای شهر یا محله تا دولت‌های منطقه‌ای، ایالتی و ملی تا سازمان‌های فراملی (مانند یونسکو)، توسعه و ترویج شده است. در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، مقرراتی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده شد که در بند ۱ ماده ۲۷ تصریح می‌کند: «هرکس حسق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت کند. از هنرها لذت ببرد و در پیشرفت علمی و فناوری آن سهمی باشد.» مصوبات مشابه با حتی واضح‌تری در اسناد بین‌المللی دیگر، مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز دیده می‌شود و همه اینها علاوه بر قوانینی است که کشورها و نهاد‌های ملی برای سیاست‌های فرهنگی خود تدوین کرده‌اند.

بسیاری از لولایج، طرح‌ها و قوانین کشوری همسو با سیاست‌های فرهنگی ملی بازیبنی می‌شود و هر چند بیان نشود، نشان‌دهنده یک مأموریت عمده در سیاست‌های کلان فرهنگی کشور است. حتی زمانی که هیچ بیانیه صریحی از سیاست فرهنگی نظام حاکم منتشر نشده باشد، می‌توان آن را از اقدامات دولت یا سایر مقامات استنتاج کرد. نهاد‌های مجری سیاست فرهنگی عبارت‌اند از مؤسسات و سازمان‌های فرهنگی مانند موزه‌ها، سالن‌های اپرا، تئاترها، ارکسترها، بناهای تاریخی و مکان‌های میراث فرهنگی، با برنامه‌هایی برای پیشرفت و تدارکات جدید در هنر و فرهنگ. در دهه‌های اخیر سیاست‌گذاری و اجرای فرهنگی برای این نهادها دوگانه بوده یا به در نظر گرفتن فرهنگ به‌عنوان چیزی فراتر از یک کلای عمومی بوده که نیازی به سودمندی مالی یا خلق ثروت و حتی مداخله مستقیم در جریان‌های روز ندارند یا ابزاری است در برای اجرای سیاست‌های خرد و کلان.

موزه‌ها به عنوان یک پدیده معاصر، برای کسترش طیف مخاطبان و واگذاری کارکرد‌های مؤثر در امور آموزش، پژوهش و انتشار مطالب در فرهنگ و هنر و درنهایت جریان‌سازی، فراتر از یک سازمان جمع‌آوری و نگهداری آثار هنری و مکانی با رویکرد جذب گردشگر بوده و به عنوان یک نهاد اجتماعی و بستری برای شکل‌دهی ذائقه هنری بازشاخته می‌شوند. صورت‌بندی محتوایی هر موزه براساس شیوه‌های روایتگری و تعریف از آگاهی بخشی فرهنگی، حتی بر پیکره‌بندی فضایی آن نیز مؤثر است. تونی بنت (۱۹۹۵) از نظریه‌های میشل فوکو در مورد قدرت استفاده می‌کند تا مسیر پیدایش موزه مدرن را در اواخر قرن ۱۸ تا ۱۹ تعریف کند. موزه‌ها از دستگاه‌های تمدنی خوانده می‌شوند که برای انجام «وظیفه حکمرانی فرهنگی مردم» ایجاد شده‌اند. آنها ابتدا ابزاری برای سازمان‌دهی واقعیت بودند و اکنون در تلاش هستند تا تبدیل به بازیگران اجتماعی مسئول در قبال رویکردهای جدید شوند و به ترویج محیط‌های مشارکتی، تفریح و حتی به کاوش مسائل دشوار داخلی و روابط بین‌المللی بپردازند. این توسعه بیش از دو قرن طول کشیده و هنوز در حال پیشرفت است؛ زیرا حتی اکنون محققان در حال کار روی تعریف جدیدی از موزه هستند که می‌تواند همه پیشرفت‌ها را دربرگیرد.

این نهاد اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی می‌تواند مأموریت‌هایی را در حفظ و تقویت هویت فرهنگی جوامع ایفا کند و علاوه‌بر‌آن، به عنوان رابطی پویا میان گفتمان‌های فرهنگی بین‌المللی نیز فرصت‌هایی برای تعاملات فرهنگی و هنری فراهم کند و اینجاست که این نهاد فرهنگی بیش از نقش کالبدی خود در حفظ و نمایش آثار، رسالت‌هایی چندرسانه‌ای را بر عهده می‌گیرد. یکی از موفق‌ترین این موزه‌ها را می‌توان گوگنهایم نیویورک نام برد که با رویکردی جهانی از هنر معاصر، ایجاد دیالوگی فرهنگی بین ملت‌ها را هدایت و جریان‌سازی می‌کند.

در این مطالعه این سؤال مطرح است که آیا موزه‌ها باید ملزم به پیشبرد دستور کار، چه فرهنگی و چه به طور گسترده‌تر سیاسی هر دولتی باشند، صرف‌نظر از اینکه آن سیاست خاص چقدر مطلوب یا حتی پربازده است؟ پاسخ به این سؤال هرچه باشد، این یک واقعیت است که در بسیاری از کشورهایی که به اصول مردم‌سالاری خود بها می‌دهند، انتظار می‌رود موزه‌ها اولویت را به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بدهند. تقریباً در هر کشوری موزه‌ها کم‌وبیش به عنوان بخش بسیار ارزشمندی از صنعت گردشگری، مرور رویداد‌های اجتماعی و حتی اخبار در سطح ملی و جهانی در نظر گرفته می‌شوند و به عنوان یک فضای اجتماعی دعوت‌کننده برای اجتماع‌پذیری‌های وسیع و هدفمند برای شهروندان و گردشگران شناخته می‌شود. این واقعیتی است تاسف‌آور که در برخی از کشورهای درحال‌توسعه، موزه‌ها فقط به گردشگران خارجی خدمت می‌کنند و اتباع کشور فقط درصد بسیار کمی از بازدیدکنندگان موزه را تشکیل می‌دهند. آنچه واضح است این است که موزه‌ها سراسر جهان به طور فعال با سیاست‌های فرهنگی درگیر می‌شوند و نهادهای فرهنگی سیاسی همچون موزه‌ها همواره بر سر این شکاف هستند که برای اجرای سیاست‌های فرهنگی «هدف» هستند یا «بزار» و اینجاست که شکاف میان موزه‌ها یا هر نهاد فرهنگی دیگری با جامعه واقعی مخاطبانش عمیق‌تر می‌شود اگر پاسخ «بزار، بودن‌های صریح، غیرهوشمندانه و حتی باشد.

دولت‌ها، حتی از معروف‌ترین موزه‌های جهان همچون اوفیتزی فلورانس، اکروپلیس آتن، لوور پاریس، ریکس آمستردام، تیت مدرن لندن و… انتظار دارند که خود و حاکمیت را از نظر منافع اقتصادی که به ارمغان می‌آورند و آنچه می‌توانند به اهداف و اولویت‌های اجتماعی و آموزشی یک کشور ارائه دهند، توجه کرده و در چارچوب سیاست‌های فرهنگی ملی و منطقه‌ای مبتنی بر برنامه‌های بلند و کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی داشته باشند. بنابراین موزه‌ها به عنوان نهادهایی فرهنگی-اجتماعی ماهیت و ظرفیت‌هایی دارند که می‌توانند با الگوهای سیاسی کلان یک کشور یا منطقه، هدف یا ابزار تلقی شود.

موزه‌ها به عنوان نهادهای پیچیده مدرنیته، امروزه درگیر انواع روابط قدرت هستند. تعریف موزه ICOM چیزی در مورد سیاست نمی‌گوید و به‌جای آن بر جمع‌آوری، حفظ، تحقیق و ارتباطات متمرکز است (ICOM، ۲۰۱۷). اما موزه‌ها را می‌توان به‌ عنوان نهادهای سیاسی نیز تعریف کرد که با توسعه ظرفیت و قابلیت‌های خود و بازناسایی این قابلیت‌ها توسط نهادهای تصمیم‌ساز و حاکمیتی می‌توانند یکی از اهدافی جدی برای تدوین و اجرای طرح‌های سیاست‌های فرهنگی و زیست‌بومی شناخته شود که مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی را در خود رشد یا معلول می‌دهند. ارزش‌های خلق‌شده یا نادیده گرفته‌شده در راهبری و مدیریت موزه‌ها، ظرفیت‌های فراموش‌شده‌ای است که گاه بهینه‌ترین راهکار نیل به اهداف کلان اقتصاد پایدار، دیپلماسی فعال خارجی و داخلی، تعمیق و پیوند سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت مردمی است.



گفت‌وگو با رامتین زاد به بهانه جدیدترین نمایشگاهش با عنوان «بوم» در گالری وِست

آبستراکسیون برای هر انسانی یک آرزوست

رامتین زاد از موفق‌ترین هنرمندان زمان ماست؛ درستی این گفته را می‌توان از شلوغی و سروصادی دریافت‌که آخرین نمایشگاه او در تهران بعد از وقفه‌ای شش‌ساله به راه انداخت. و در این وضعیت و روزها کمتر هنرمندی می‌تواند به چنین تماشاگران را به یک نمایشگاه بکشانند. آثار این هنرمند در آمده در نمایشگاه جدید رامتین زاد در گالری وِست چندان زیاد نبود و به گفته خودش تعدادی از آنها نیز

برای این نمایش از مجموعه‌داران آثار او امانت گرفته شده بودند. با این حال سبک ویژه کاری او در طول این چند سال به خوبی شناخته شده و رد قلمش را تقریباً می‌توان به‌سرعت شناسایی کرد. اما فارغ از فرصت فراهم‌شده برای



حافظ روحانی

کارت دوست داری و می‌پسندی؟ فکر می‌کنی که این کلمات کارت را درست توضیح می‌دهند؟

سؤال جالبی است. نه خیلی. هم آره و نه هم. من درباره این چیزها خیلی سخت‌گیرم ولی وقتی به‌عنوان یک آدم حرفه‌ای با این موضوع برخورد می‌کنی، ترجیح می‌دهم خیلی سخت نگیرم. چون اصولاً این نوشته‌ها برای مردم است و نه برای من و بیشتر شبیه ثبت یک‌سری سند است. برای اینکه بعداً عده‌ای بداند که چنین کارهایی انجام شده و خالی از اشکال هم نیستند. این جور متن‌ها در حالت بیشتر ندارند؛ یا کلاً فراموش می‌شوند یا تا ابد با تو می‌مانند. ولی بیشتر به مردم کمک می‌کند تا راهی برای نگاه‌کردن به کارها پیدا کنند و از این نظر وجود متن‌ها را ترجیح می‌دهم، چون با کد و ارجاع مسیری‌هایی را پیش‌روی تماشاگر باز می‌کنند. از طرف دیگر خیلی به سمت طبقه‌بندی تاریخ هنری می‌روند که به نظرم خیلی چیز خوبی نیست.

✓ چرا؟

چون نه تاریخ هنر دست ماست و نه من یک نفره می‌توانم غول چراغ جادو باشم. پشت چنین طبقه‌بندی‌هایی باید مکتب و صیغه تاریخی باشد، یعنی کار گروهی و چندنفره است. وقتی شاعر و سینماگر درجه‌یک وجود ندارد، من نمی‌توانم جزئی از تاریخ هنر باشم. از این نظر خیلی این دیدگاه را دوست ندارم ولی از جنبه‌های دیگر خیلی سلیبس و راحت دارد آثار و نمایشگاه را توضیح می‌دهد.

✓ فکر می‌کنی نیاز است کسی کارها را برای بیننده توضیح دهد؟ مردم می‌خواهند. دست دارند در مورد کارها چیزی بخوانند، ولی متن‌ها طوری انتخاب می‌شوند که به بیننده نکوید کار را این‌طوری بین ولی می‌گویند رامتین این است، بیشتر درباره هویت نقاش است تا در مورد دیگر. اگر بخواید به تماشاگر بگوید چطور بین، شبیه به استیمتنت یا چیزی شبیه به کالبدشکافی می‌شود.

✓ یعنی ترجیح خودت این است که متنی همراه کارها نباشد؟ چون در این نمایشگاه یکی از طولین‌ترین دیوارهای گالری به نوشته‌ها اختصاص پیدا کرده. با توجه به تعداد کارها به نظر می‌رسد بر نوشته‌ها تاکید داشته‌ای.

بله، ولی در کنار کارهایی که به نمایش درآمده یک کتاب ۵۰صفحه‌ای هم هست. بلندترین متن (نوشته امیر سقراطی) هم به کتاب مربوط است. یک متن کوتاه درباره کلیت اتفاقاتی است که در طول یک سال، یک سال‌نیم اخیر افتاده (متن رامین دهدشتی) و یک متن (به قلم آرمان خلعتبری) هم راجع‌به نمایشگاه است.

✓ پس به نظر خودت هم بد نبوده که متن‌ها باشند؟

بد هم نیست باشند؛ چون توضیحات جالبی دارند و همه‌چیز را خیلی روان توضیح می‌دهند. مثل روغن‌کاری است. به مردم کمک می‌کند تا چطورى نقاشی‌ها و مجسمه‌ها را ببینند یا اینکه من کی هستم و خیلی کمک‌کننده است.

✓ خاطر هم هست که کارهای قدیمی‌ترت فضاهای غیرشهری‌تر و بیشتر طبیعی بود. به نظرم پیش‌ترت فضاهای بدوی‌تر بود ولی الان انگار فضاها شهری‌تر شده‌اند. این تعبیر درست است؟

فکر نمی‌کنم این تعبیر خیلی درست باشد. اتفاقی که در کارم دارد می‌افتد این است که به سمت آبستره می‌رود. هر چه می‌گذرد لکه رنگ‌ها مهم‌تر و این لکه رنگ‌ها مدام گسترده‌تر می‌شوند. وقتی می‌گویی شهری خیلی منظورم تا درک نمی‌کنم ولی من همیشه با طبیعت سروکله می‌زنم. همیشه از طبیعت می‌ترسم. طبیعت خیلی قوی است. ابهت گل و گیاه و درخت خیلی من را می‌گیرد. مثلاً از جایی به بعد گل‌های خودم را می‌کشم، یعنی گل‌هایی که ندیده‌ام و اتفاقاً ممکن است چند سال بعد شبیه آنها را ببینم. ولی طبیعت روی من خیلی کار می‌کند. وقتی هم کار می‌کنم از رنگ‌های آبستره به یک شکل می‌رسم؛ از نافرمی به فرم می‌رسم. قبلاً لکه رنگ‌ها بیشتر به آدم تبدیل می‌شدند اما الان بیشتر به گل و گیاه تبدیل می‌شوند. دارم سعی می‌کنم آدم‌ها را حذف کنم. وقتی آنها را حذف می‌کنی به یک آبستره محض می‌رسی.

✓ ترست از طبیعت بابت چیست؟

خیلی قدرتمند است و ابهت دارد. من از نقاشی‌های خاور دور هم یاد گرفته‌ام. مثلاً نقاش‌های چینی وقتی درخت و کوه می‌کشند بیشتر به خاطر نگاه‌شان به ابهت طبیعت و ترس از آن است و نه ستایش طبیعت. اصولاً هم قانون نقاشی همین بوده. نقاشی‌های غار لاسکو و اتامیرا هم به خاطر ترس بوده و امیدش به شکار.

✓ از آنجا که پیکره‌های نیمه‌انسان-نیمه‌حیوان در کارت زیاد است، با طبیعت احساس پیوند می‌کنی؟ بخشی از این پیکره‌ها نشانگر وجه حیوانی ما و باقی نشانه عقلانیت ماست؟

گالری‌گردی

حضور دو هنرمند ایرانی در پنجمین دوره اکسپوآرت IAAF استانبول

مجموعه‌ای از نقاشی‌های «لعل اباذری» با عنوان «هنر هنر» از ۱۳ تا ۱۷ نوامبر ۲۰۲۴ در پنجمین دوره اکسپوآرت IAAF به نمایش گذاشته می‌شود. در این رویداد هنری بین‌المللی، گالری‌های متعددی از جای‌جای جهان شرکت می‌کنند.

لعل اباذری درباره حضورش در این رویداد گفت: در پنجمین دوره اکسپوآرت IAAF استانبول من به‌همراه خواهرم، لعبت اباذری، شرکت می‌کنیم و در این رویداد غرفه مستقلی برای نمایش آثار ما در نظر گرفته شده است.

او افزود: در این رویداد مجموعه‌ای از نقاشی‌هایم با عنوان «هنر هنر» را به نمایش می‌گذارم. این مجموعه دربرگیرنده پنج تابلوی نقاشی با تکنیک رنگ روغن است و در هر تابلو تصویری از پرچم و آثار باستانی کشور مذکور را به تصویر کشیده‌ام.

این هنرمند ادامه داد: هر تابلو این مجموعه به یک کشور اختصاص داده شده و در این مجموعه نقاشی‌هایی از کشور ایران، ترکیه، فرانسه، انگلیس و آلمان به نمایش درمی‌آید. لعبت اباذری نیز با یک نقاشی از مجموعه مادرنگی‌هایش حضور خواهد داشت. او افزود: امروزه، در دنیایی که تکنولوژی و صنعت در زندگی روزمره ما نقش بسزایی ایفا می‌کند، اهمیت هنر و فرهنگ بیش‌ازپیش نمایان می‌شود.

هنر به عنوان زبانی جهانی، می‌تواند پل‌هایی بین ملت‌ها و تمدن‌ها بسازد و ما را به علاقت تاریخ و ارزش‌های مشترک انسانی متصل کند. او افزود: مجموعه تابلوهایی که با عنوان «هنر هنر» در سوئمن آرت‌فیر تهران به نمایش آمدند، سفری است به دل تاریخ و فرهنگ‌های متنوع.

هر تابلیو، نماینده‌ای از یک کشور و تمدن خاص است که در پس‌آن داستان‌ها، باورها و زیبایی‌های بی‌پایانی نهفته است. این مجموعه به شما این امکان را می‌دهد تا به تماشای همستگی و ارتباط بین کشورها و تمدن‌های مختلف بپردازید و از درچه هنر به تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی آنها پی ببرید.

این هنرمند ادامه داد: هدفم از ارائه این مجموعه در پنجمین دوره اکسپوآرت IAAF استانبول جلب توجه نسل جدیدی است که درگیر تکنولوژی و صنعت هستند. پیام این مجموعه این است که هنر و فرهنگ همچنان نقش مهمی در شکل‌دهی هویت انسان‌ها دارد و می‌تواند آنها را به درک عمیق‌تری از دنیا و خودشان برساند. هر نقاشی در این مجموعه، نه‌تنها یک اثر هنری زیباتست، بلکه پیامی از همستگی، تفاهم و دوستی بین ملت‌ها را با خود به همراه دارد.

اباذری ادامه داد: از طریق این نقاشی‌ها، گویی به سفری شگفت‌انگیز در میان تاریخ و فرهنگ‌های مختلف می‌رویم تا ارزش‌های انسانی مشترک را گرامی بداریم. فرهنگ و هنر همواره فارغ از تفاوت‌هایمان می‌تواند ما را به هم نزدیک‌تر کند و به ما یادآوری کند که همه ما جزئی از یک خانواده‌ی بزرگ انسانی هستیم.

لعل اباذری و لعبت اباذری متولد ۱۳۵۷ هستند و از کودکی به صورت خودآموز نقاشی کرده‌اند و آثارشان را در رویدادهای متعددی به نمایش گذاشته‌اند.

